

از مجله « تاریخ برای همه »  
چاپ پاریس

بقلم لویی سورل  
ترجمه - دکتر هادی خراسانی

## محاكمه تاريخي سروان دريفوس ( ۵ )

«بعقیده من استرهایزی بی تقصیر است. هر قدر هم در نتیجه انحرافاتیکه در زندگی خصوصی خود داشته فرد نامطلوبی شناخته شود، باز هم بعقیده من نمیتوان او را متهم بجنایت کرد. بعقیده من با توجه باسنادیکه درستاد ارتش موجود میباشد نمیتوان نسبت به تقصیر او تردید نمود.» روز ۲۸ نوامبر روزنامه «فیکارو» نامه ای را که سابقاً استرهایزی بمعشوقه خود مادام دوبولانسی نوشته و در آن اظهار داشته بود که مایل است پاریس را دستخوش حمله و چپاول غارتگران ببیند، منتشر نمود. چند روز بعد استرهایزی ناچار گردید اعتراف نماید که نامه هائیکه نزد مادام دوبولانسی موجود میباشد بخط او نوشته شده است بالاخره روز ۳ دسامبر تحقیقات قضائی بر علیه استرهایزی آغاز گردید.

روز ۱۰ ژانویه ۱۸۹۸ شورای جنگ موضوع را مورد رسیدگی قرار داد و در دومین جلسه خود باتفاق آراء برائت متهم را اعلام داشت. دوز روز بعد سرهنگ پیکار به ۶۰ روز زندان محکوم گردید.

انتشار مقاله امیل زولا تحت عنوان « من اعلام جرم میکنم »  
و محاکمه او

تا این تاریخ طرفداران لزوم تجدید محاکمه دریفوس همه جا با شکست

مواجه شده بودند. معذک این گروه رفته رفته موقعیت مساعدی کسب نموده و دوستانیکه بلحاظ ارزش معنوی خود میتوانستند افکار عمومی را تحت تأثیر قرار دهند، پیدا کرده بود. عمل شجاعانه سناتور شورر کستفر «مورد توجه «ژرژ کلمانسو» که در آن موقع یکی از نویسندگان برجسته روزنامه «لورور» (۱) (فجر) بود، قرار گرفت و وی از آن تاریخ مبارزه خود را برای تجدید محاکمه در یفوس آغاز کرد. کلمانسو در این مورد روزی به آناتول فرانس گفت: «مادر این مبارزه ولو تنها بمانیم، پیروز خواهیم شد.»

روز ۱۳ ژانویه ۱۸۹۸ روزنامه «لورور» با موافقت کلمانسونامه امیل زولا را خطاب بر رئیس جمهور تحت عنوان «مسئله اعلام جرم میکنم» منتشر ساخت.

قسمتی از این نامه که ۲۰۰۰۰۰ نسخه آن بفروش رسید بشرح زیر میباشد:

من سرهنگ دوم «دوپاتی دوکلام» را بجرم اینکه (شاید ندانسته) نقش شیطانی عامل ارتکاب اشتباه قضائی را ایفا نموده و سپس مدت سه سال تمام از عمل ننگین خود با توسل جستن به عجیب ترین و زشت ترین توطئه‌ها دفاع نموده است، متهم میسازم.

... من سرلشکر «بیو» را بجرم اینکه با در دست داشتن مدارک قطعی مبنی بر بیگناهی در یفوس آنها را مخفی نگاهداشته و بمنظور پیش بردن مقاصد سیاسی و تبرئه ستاد ارتش خطاکار، مرتکب خیانت بر علیه بشریت و عدالت گردیده متهم میسازم.

بالاخره من نخستین شورای جنگ را بجرم اینکه با محکوم نمودن متهم بر مبنای یک سند محرمانه، بقانون تجاوز کرده است متهم میسازم و نیز دومین شورای جنگ را بجرم اینکه این عمل غیرقانونی را تأیید نموده و به نوبه خود با تبرئه عمدی بزهکار واقعی، مرتکب جنایت شده است، متهم میسازم.

در خلال این احوال عده‌ای از روشنفکران طرفدار در یفوس گرد هم جمع شده و به تنظیم و امضای اعلامیه‌ای مبادرت ورزیدند. و بعداً در روز ۲ فوریه ۱۸۹۸ «جمعیت حقوق بشر» را تأسیس نمودند.

موقمیکه محاکمه امیل زولا آغاز گردید ، اهالی پاریس دستخوش یک حالت عصیان و ناراضیاتی گردیده بودند . حتی در محوطه کاخ دادگستری فریادهای این ایتالیائی<sup>۱</sup> را برود خانه سن بیاندازید بگوش میرسید . روز ۲۳ فوریه امیل زولا و مدیر مسئول روزنامه «لورور» هر کدام به ۳۰۰۰ فرانک جریمه و یک سال زندان محکوم گردیدند . روز دوم آوریل دیوان کشور این رأی را نقض کرد ولی روز ۱۸ ژویه دادگاه جنائی «ورسای» رأی اولیه مبنی به محکومیت متهمین را تأیید کرد .

### تجدید محاکمه در ریفس و اعاده حیثیت متهم

از ۲۵ ژوئن ۱۸۹۸ کابینه جدیدی در فرانسه به نخست وزیری «بریسون» سرکار آمده بود . «کاوینیاک» وزیر جنگ این کابینه ، بسروان «کینیه» دستور داد تحقیقاتی درباره اصلت اسناد پرسونده محاکمه دریفس بعمل آورد . نامبرده در تاریخ ۱۳ اوت موفق بکشف هیچان انگیزی گردید . مارسل توماس راجع باین جریان چنین مینویسد :

«سروان کینیه» در نتیجه بررسی نامه ایکه بامداد آبی نوشته شده و نام دریفس با تمام حروف در آن ذکر گردیده بود ، بطور غیر قابل انکاری پی برد که سند مذکور جعلی است زیرا قطعات مختلف نامه مورد بحث ، دارای رنگهای متفاوت بود .

وی کشف خود را با اطلاع سرلشکر «روژه» رسانید و سپس باتفاق او با وزیر جنگ ملاقات و مذاکره نمود . دیگر جای تردید باقی نمانده بود که این مدرک اساسی يك سند جعلی است و این عمل جعل را کس دیگری غیر از هانری مأمور مورد اطمینان ستاد ارتش و همان شخصیکه دست به تشکیل پرسونده محرمانه زده و اتهاماتی به پیکار وارد آورده و موجبات تبرئه استرهایزی را فراهم ساخته بود ، مرتکب نشده است . با این کشف پایه اصلی اتهامات در ریفس فرو میریخت «پساتریس بوسل» بقیه جریان را بشرح زیر بیان میکند :

(۱) - پدramیل زولا يك نفر مهندس ایتالیائی از اهل و نیز بوده است

«نیمه شب ۳۰ اوت خبر گزارى هاواس چنین اعلام داشت :

«امروز سرنهك دوم هانرى در دفتر وزیر جنگ اعتراف کرد که نویسنده نامه مورخ اکتبر ۱۸۹۶ که اسم دریفوس در آن ذکر گردیده ، میباشد . بلافاصله وزیر جنگ دستور باز داشت سرنهك دوم هانرى را صادر نمود ، و نامبرده به دژ «مونوالرین منتقل گردید» .

نیمه شب ۳۱ اوت خبر جدیدی توسط خبر گزارى هاواس بشرح زیر انتشار یافت :

«طبق آخرین اطلاع واصله ، امشب سرنهك دوم هانرى در دژ «مونوالرین» خودکشی کرده است . وی گلوی خود را با تیغی که در موقع ورود بسلول با خود همراه برده بود ، بریده است . در نتیجه این حوادث ناگهانی ، پیکار که در زندان بسرمیبرد ، آزاد گردید ، استرهازى بانگلسان گریخت . «زورلیندن» اوزیر جنگ جدید ، «دوپاتی دوکلام» را بعنوان شريك جرم مورد تعقیب قرار داد .

بدین ترتیب برای مخالفین دریفوس مقاومت دو مقابل تجدید محاکمه مهم روز بروز دشوار تر میگردد .

ژان ژورس<sup>۱</sup> یکی از رهبران حزب سوسیالیست چنین نوشت :

«اعتراض ما بر علیه محکومیت غیر قانونی دریفوس نه تنها خدمت به بشریت بلکه خدمت بطبقه کارگر محسوب میشود . «در این موقع» موریس پارس<sup>۲</sup> در مقابل طرفداران دریفوس به مخالفت برخاست . وی که چندی بعد یعنی در دسامبر ۱۸۹۸ درسلک مؤسسين جمعیت میهن پرستان فرانسه» در آمد و از اولین افرادی بود که عضویت جمعیت مذکور را پذیرفت ، در باره طرفداران دریفوس چنین میگوید :

«امیل زولا طبعاً دارای روحیه يك نفرو نیزى رانده از وطن میباشد . سایر افراد باصطلاح «روشن فکر» سعی میکنند ماجرائیرا که اطلاعات کافی درباره آن در دست نیست، روشن سازند . اینان در قضاوت خود بیشتر از احساسات پیروی میکنند تا از منطق و عقل سلیم» .

۱- Zurlinden

۲ - Jean Jaurès

۳- Maurice Barrés

### تجدید محاکمه در یفوس

شورای جنگ که در شهرن برای محاکمه مجدد دریفوس تشکیل گردیده بود، از هفتم اوت تا نهم سپتامبر ۱۸۹۹ به بررسی موضوع پرداخت.

متهم که بوسیله سرهنگ «ژواوست» مورد بازجویی قرار گرفته بود، با عبارات کوتاه و بریده پاسخ میداد و باخونسردی و آرامش اتهامات منتسبه را انکار میکرد. ژاک کیزر در این باره چنین مینویسد:

«بقیده دریفوس ناملايمات ورنجها تيرا که تحمل کرده بود، نمیایستی بمنوان دلیل بر بیگناهی او مورد استناد قرار گیرند. ولی اگر وی زجرها و شکنجه‌ها تیرا که کشیده بود بیان و تشریح میکرد، مسلماً تبرئه میکردید. اما او در این مورد سکوت اختیار کرد زیرا نمیخواست گفته شود که از راه برانگیختن حس ترحم، نظر قضات را با خود مساعد ساخته است.»

ولی سرلشکر مرسیه همچنان در اثبات خیانت دریفوس پافشاری میکرد. وی با مهارت و درعین حال با سوه نیت در محضر دادگاه چنین اظهار داشت:

«من کماکان معتقدم که فهرست مورد بحث بوسیله سروان دریفوس نوشته شده است.»

بالاخره دادگاه با پنج رأی موافق در مقابل دورای مخالف دریفوس را مجرم تشخیص داد و با در نظر گرفتن علل مخففه، او را ده سال زندان با اعمال شاقه محکوم ساخت.

در ۱۹ سپتامبر ۱۸۹۹ دریفوس مورد عفو قرار گرفت.

در ۱۲ ژوئیه ۱۹۰۶ دیوان کشور رأی شورای جنگ «رن» را که بموجب آن دریفوس محکوم گردیده بود بدون ارجاع امر به دادگاه دیگری، نقض نمود و در نتیجه روز ۱۳ ژوئیه ۱۹۰۶ دریفوس و پیکار مجدداً بخدمت ارتش عودت داده شدند.

اهمیت محاکمه دریفوس در تاریخ سیاسی و اجتماعی فرانسه ماجرای دریفوس مدت چندین سال نقش مهمی را در زندگانی اجتماعی فرانسه ایفا نموده و مردم را بدوجهی مخالف تقسیم کرده بود.

باید اذعان کرد که ماجرای دریفوس یکی از عوامل متشکل شدن احزاب دست چپ در مقابل احزاب دست راست بوده است. از جمله جنبه جمهوری خواهان «که برهبری «والدک روسو» از سال ۱۸۹۹ تا ۱۹۰۲ بر فرانسه حکومت میکرد، در نتیجه ماجرای دریفوس بوجود آمده بود. حال بینیم عاقبت کار قهرمانان ماجرای دریفوس یکجا انجامید. خود الفرد دریفوس در جنگ جهانی اول (۱۹۱۴) با درجه سرهنگ دومی خدمت کرد و در ۱۲ ژوئیه ۱۹۳۵ درگذشت. سرهنگ پیکار در ۱۳ ژوئیه ۱۹۰۶ با سمت فرماندهی تیپ بخدمت ارتش عودت داده شد و در ۱۲ اکتبر همانسال در کابینه کلمانسو بسمت وزیر جنگ منصوب گردید.

«پاتی دوکلام» در ۱۰ نوامبر ۱۹۰۰ بازنشسته شد. بالاخره «استرهایزی» گناهکار حقیقی که بانگلستان گریخته بود، تا پایان عمر در آن کشور بسربرد و در ۲۱ مه ۱۹۲۳ بدرود حیات گفت. یکی از مؤلفین بنام دارمان لانو، درباره محاکمه دریفوس کتابی نوشته ولی عنوان آنرا «محاكمه زولا» گذاشته است. باید اذعان کرد که انتخاب این عنوان کاملاً بجاست، زیرا در ماجرای دریفوس شخص خود اوچندان جالب نیست وی مردی افتاده و فاقدشور و احساسات هیجان انگیز بود و همانطوریکه قبلاً اشاره شد وی حتی حاضر نگردید را جمع بشکنجه ها و رنجهائیکه کشیده بود، کلمه‌ای بزبان بیاورد. ولی امیل زولا با انتشار مقاله مشهور «من متهم می‌سازم» ماجرای دریفوس را در مسیر جدیدی انداخت و بان جنبه عمومی و انسانی داد.

مطالعه ماجرای دریفوس نشان میدهد که حقیقت و عدالت و لوسالها و حتی قرن‌ها زیر پا گذاشته شود، عاقبت پیروز میگردد.

نتیجه محاکماتی نظیر محاکمه «گالیله» و دریفوس مؤید این مدعی است. افرادی که تحت عنوان «مصلح عالی» اصول عدالت و اخلاق را پایمال میکنند، ممکن است موقتاً خود را موفق ببندارند ولی بالاخره مقهور عدالت خواهند شد.

( پایان )